

مدیریت سود و نقش آن در بازار سرمایه

احمد احمدپور* - محسن کریمی**

چکیده

مدیریت سود به عنوان راه کارهای آگاهانه انتخاب شده توسط مدیریت برای دستیابی به اهداف خاص نقش بسیار مهمی در چگونگی ارائه صورت‌های مالی، و طبقه‌بندی اقلام مندرج در آن داشته است که نحوه‌ی اعمال آن بسته به ماهیت شرکت از لحاظ اندازه، نوع صنعت، ساختار سرمایه، موقعیت اجتماعی و موضوع مدیریت سود متفاوت است. مدیران با هموارسازی سود قادرند بر بازدهی سهام تأثیر گذاشته و با این روش به اهدافی نظیر پاداش مدیریت، دریافت تسهیلات بانکی، افزایش سرمایه، تأثیر بر بازار سرمایه و امنیت شغلی دست یابند، در صورتی که به نحو صحیح اعمال نشود نه تنها تأمین کننده اهداف ذکر شده نبوده بلکه می‌تواند آثار زیان‌باری به دنبال داشته باشد. رویکردهای مختلف مدیریت سود و تأثیر بالقوه آنها برای افراد ذی‌نفع می‌تواند به‌عنوان راهنما، مورد استفاده مدیریت برای تهیه صورت‌های مالی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت سود، بازار سرمایه، هموارسازی سود، هموارسازی طبیعی، هموارسازی تصنعی

۱- مقدمه

گزارش‌گری مالی ارائه عملکرد شرکت است که در قالب صورت‌های مالی برای سه گروه کلی، استفاده‌کنندگان، شرکت و حرفه به‌خصوص استفاده‌کنندگان تهیه می‌شود. صورت‌های مالی در صورتی معتبر است که به تأیید شرکت (از طریق تأییدیه مدیران) حرفه

* استادیار دانشگاه مازندران، عهده‌دار مکاتبات Ahmadpour@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه مازندران

(گزارش حسابرس) و استفاده‌کنندگان (تأیید صورت‌های مالی در مجمع عمومی سالیانه) برسد. صورت‌های مالی ارائه شده و آثار آن بر بازار سرمایه حاصل اشتراک منافع‌ای است که این سه گروه داشته‌اند. به همین دلیل مدیریت شرکت می‌بایستی بسیار محتاطانه عمل کند چه بسا رفتار مدیر نه تنها به نفع او نبوده بلکه تضاد منافع را نیز در بر داشته باشد.

یکی از راه‌کارهایی که مورد توجه بسیاری از شرکت‌ها می‌باشد، مدیریت سود اعمال شده از طریق تکنیک‌های مختلف هموارسازی سود و بازخورد آن بر منافع مدیریت است به گونه‌ای که نوسانات نسبی سود را کاهش داده و بازخورد مثبتی را نیز بر منافع استفاده‌کنندگان از جمله قیمت سهام داشته باشد.

پدیده‌ی هموارسازی سود یا توجه به اهداف هموارسازی سود و مبنای آن به طرق مختلف (هموارسازی طبیعی، و هموارسازی تصنعی) صورت می‌گیرد.

هموارسازی طبیعی، کاهش نوسانات سود حسابداری نسبت به سود اقتصادی می‌باشد که متأثر از فعالیت‌های مدیریت جهت سازماندهی به رویدادهای اقتصادی است. هموارسازی تصنعی نیز بیان‌گر کاهش نوسانات سود حسابداری در دوره‌های مختلف به گونه‌ای که دارای یک روند یک‌نواخت بوده و از طریق اصول و روش‌های اختیاری حسابداری صورت می‌پذیرد.

۲- الگوهای مدیریت سود

۱-۲ به دست آوردن آرامش

این الگو که مخرب‌ترین نوع مدیریت سود است، زمانی کاربرد دارد که بر اثر فشار سهام‌داران به مدیریت مبنی بر احتمال برکناری وی وجود داشته باشد. در این حالت مدیریت سعی می‌کند که به طرق مختلف همانند فروش دارایی‌های مستهلک شده، کاهش ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول و ... سود سال جاری را بالا برده و عملکرد شرکت را مطلوب جلوه دهد.

مخرب بودن این الگو زمانی است که عملکرد شرکت قیمت بازار سهام را توجیه نکند، در آن موقع تصنعی بودن سود ارائه شده توسط شرکت آشکار می‌شود که این امر نه تنها ارزش سهام شرکت را کاهش می‌دهد بلکه بر اعتبار شرکت نیز لطمه می‌زند. (مدیریت مالی/ج ۱).

۲-۲ الگوی حداکثر کردن سود

این شیوه که تقریباً شبیه الگوی اول است و در مورد طرح‌های پاداش مدیریت کاربرد دارد. در این الگو تلاش مدیریت بر آن است که برای دستیابی به پاداش بیش‌تر، سود را افزایش دهد.

۲-۳ الگوی حداقل کردن سود

این الگو در مورد مدیران محافظه‌کار در شرکت‌هایی مصداق دارد که دارای یک رویه‌ی بلندمدت سوددهی باشند. این حالت با شتاب بخشیدن در مستهلک کردن دارایی‌های سرمایه‌ای، هزینه‌ای کردن مخارج تحقیق و توسعه، استفاده از روش تلاش‌های موفقیت‌آمیز^۱ در مورد صنایع نفت و گاز و سایر رویه‌های فرآیندهای هزینه یا کاهنده درآمد صورت می‌پذیرد. این الگوی در مورد دونوع از شرکت‌ها کاربرد (شرکت‌هایی می‌شود که حالت انحصاری داشته و به منظور جلوگیری از رقابتی شدن فعالیت‌شان سعی در جلوگیری از بالفعل شدن سرمایه‌گذاری‌های بالقوه دارند و. گروه دوم شامل شرکت‌هایی است که عام‌المنفعه‌اند همانند شرکت‌های آب و برق).

۲-۴ الگوی هموارسازی سود

این الگو که رایج‌ترین نوع مدیریت سود است سعی در کاهش نوسان موقتی سود گزارش شده به دلیل مغایرت با سود اقتصادی دارد. زیرا برای کاهش در نوسانات سود نیاز به معیار است. در صورتی که هدف برآوردن خواسته‌های سهام‌داران باشد، سودسهام یا قیمت مورد انتظار سهام‌داران مبنای هموارسازی خواهد بود و در صورتی که این هدف جلوگیری از فعالیت رقبا یا فشارهای اعمال شده توسط مقررات دولتی است حداقل کردن درآمد یا کاهش در نوسانات آن نسبت به گذشته، معیار هموارسازی است. به همین دلیل محققان الگوی هموارسازی سود که کامل‌ترین الگوی مدیریت سود است را با هموارسازی سود یکی دانسته‌اند. (مدیریت مالی/ج ۱).

۳- ابعاد هموارسازی سود

فلسفه‌ی اصلی از هموارسازی سود بر طرف کردن مغایرت ایجاد شده بین سود حسابداری و سود اقتصادی به دلیل استفاده از سیستم حسابداری تعهدی و عدم شناسایی سود و زیان ناشی از نگاه‌داشت تا زمان فروش دارایی است. برای دستیابی به این امر دو راه‌کار پیش روی شرکت‌ها است.

۱- استعانت از سیستم حسابداری تعهدی جهت دست‌کاری سود و کاهش نوسانات سود گزارش شده

۲- سازماندهی به سیستم اقتصادی شرکت به گونه‌ای که فعالیت‌های عملیاتی قسمت اصلی سود خالص شرکت را تشکیل دهند.

راه‌کار اول که رایج‌ترین نوع هموارسازی سود است از ناکارایی بالایی برخوردار است. زیرا در این نوع از مدیریت سود، درآمد متناسب با هزینه نبوده و تنها رقم نهایی سود است که هموارسازی شده است. راه‌کار دوم که بیان‌گر بینش اقتصادی مدیریت برای ایجاد یک روند هموارسازی سود است بر جریان‌ات پایدار سود در دوره‌های زمانی متوالی تأکید دارد و معیار مناسب‌تری در خصوص ارزیابی عملکرد شرکت است.

با توجه به مطالب ارائه شده در بالا، می‌توان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از هموارسازی سود انجام داد. ایکل^۱ (۱۹۸۱) هموارسازی را به دو نوع طبیعی و عمدی تقسیم‌بندی کرده است. هموارسازی طبیعی از یک فرآیند تولید که ایجاد کننده سودهای هموار است منتج می‌شود در حالی که هموارسازی عمدی نتیجه هموارسازی واقعی یا روشهای هموارسازی ساختگی می‌باشد.

آیشدی^۲ (۲۰۰۴) نیز با تقسیم‌بندی‌ای تقریباً مشابه با ایکل هموارسازی را به دو نوع هموارسازی طبیعی و هموارسازی مدیریت شده از طریق تکنیک‌های ساختگی و واقعی می‌داند. که هموارسازی ساختگی از طریق متغیرهای تعهدی اختیاری و هموارسازی واقعی نیز معمولاً از طریق مخارج همانند تحقیق و توسعه در طی زمان صورت می‌پذیرد.

در تقسیم‌بندی جدیدتری که توسط بارنی^۳ صورت پذیرفته است هموارسازی سود به شرح زیر بیان شده است:

1-Eckel

2-Aiyeshday

3-Barnea

- ۱- هموارسازی از طریق وقوع رویدادها و شناسایی و ثبت آنها؛ در این نوع هموارسازی مدیریت زمان وقایع عملیات را تعیین می‌کند به گونه‌ای که نوسانات سود را کاهش دهد، همانند زمان‌بندی رخداد مخارج تحقیق و توسعه. (هموارسازی واقعی).
- ۲- هموارسازی از طریق تشخیص رویدادها در طول زمان با فرض وجود یک رویداد و ثبت آن از قبل، مدیریت می‌تواند تعداد دوره‌های زمانی که تحت تأثیر این رویداد قرار می‌گیرد و میزان آن را تعیین کند. (هموارسازی ساختگی).
- ۳- هموارسازی طبقاتی که بیش‌تر زمانی صورت می‌گیرد که هدف از هموارسازی، طبقاتی از سود غیر از سود خالص است که در این حالت مدیریت می‌تواند با جابجایی اقسام سود و زیان بین طبقات صورت سود و زیان اقدام به هموارسازی سود کند.

۴- تئوری‌های مرتبط با هموارسازی سود

۴-۱ تئوری اثباتی از حسابداری

تئوری اثباتی به دلیل تأکید بر جنبه‌های هنجاری و توصیفی، مطرح شد. بر این اساس حسابداری پدیده‌های مختلف حسابداری و اثرات آن را توجیه کرد. این تئوری که بعدها به مکتب «ریچاردسون» مشهور شد، توجیه‌کننده‌ی رفتارهای اجرایی حسابداری از دو جنبه است:

- ۱- نحوه‌ی عمل جاری حسابداری در قالب استانداردها و اصول حسابداری
- ۲- تمایلات و گرایش‌های مدیریت در قالب آزادی‌های اعمال شده در شیوه‌های حسابداری

بر اساس این تئوری، مدیریت، سهام‌داران و قانون‌گذاران افرادی منطقی می‌باشند و سعی در افزایش منافع خود دارند و منافع آنها هم با حقوق و پاداش آنها رابطه‌ی مستقیم دارد. بر این اساس مدیریت اثرات گزارش اعداد حسابداری بر قوانین مالیاتی، هزینه‌های سیاسی، قیمت سهام، حقوق و پاداش خود و محدودیت در قراردادهای وام و اوراق قرضه را در تصمیم‌گیری‌های خود مد نظر قرار می‌دهد. در واقع کمال مطلوب روش اثباتی این است که درباره‌ی عوامل مؤثر بر دنیای عملی حسابداری فرضیه‌هایی ارائه و آزمون کند. فرضیه‌های مورد آزمون بر اساس این تئوری در تأیید موارد زیر است. (تأیید قابلیت پیش‌بینی بهتر سودهای آتی با استفاده از سری از اعداد حسابداری هموارسازی شده و کاهش پدیده‌ی

عدم اطمینان ناشی از نوسانات سود و به ویژه کاهش ریسک. سیستماتیک از طریق کم کردن کوارینانس بازده‌های بازار سرمایه).

مسئله‌ی مهمی که در این تئوری در بیان فرضیه‌ی هموارسازی سود وجود دارد، این است که قیمت سهام به جریان‌ات وجه نقد وابسته است نه سود حسابداری. بر این اساس با وجود فرضیه‌ی بازار کارا دو شرکت که جریان‌ات نقدی همانند دارند ارزش یکسان دارند. هر چند رویه‌های حسابداری متفاوتی داشته باشند. با توجه به مطالب بیان شده مسئله‌ی اصلی تئوری اثباتی تعیین شیوه‌ای است که رویه‌های حسابداری بر جریان‌ات نقدی شرکت و به تبع آن منافع مدیریت مؤثر واقع شده و موجب تغییر در قیمت بازار سهام و ارزش شرکت می‌شوند. در پشتیبانی این موضوع دو تئوری مطرح است.

۲-۴ تئوری نمایندگی

تأکید این تئوری بر قراردادهای آزادی است که بین گروه‌های مختلف سازمانی به عنوان راه‌حلی کارآمد برای از بین بردن تضاد منافع به عمل می‌آید. سیر تکاملی این تئوری به این دیدگاه منجر شده است که سازمان حلقه‌ی قراردادها است که از طریق حکم‌های تفویض اختیار با وظایف مشخص شده از طرف مقامات بالاتر صورت می‌گیرد. مدیر به‌عنوان نماینده‌ی سهام‌داران به دنبال حداکثر کردن منافع خویش است؛ لیکن منافع خود را در گرو منافع سهام‌داران که در قرارداد منعقد شده مشخص شده است می‌داند. بر این اساس عملکرد شرکت و اطلاعات مالی ارائه شده به شرکت حاصل تعادل در منافع این دو گروه است و مدیریت سود اعمال شده توسط مدیریت (هموارسازی سود) نه تنها تأمین کننده‌ی منافع مدیریت است بلکه منافع سهام‌داران را هم تأمین می‌کند.

۳-۴ تئوری مبتنی بر هزینه قرارداد

بر این اساس، اطلاعات حسابداری به عنوان عامل نظارت بر اجرای قرارداد نمایندگی و کاهش دهنده‌ی هزینه‌های نمایندگی مربوط به تضاد منافع است. این تضاد منافع می‌تواند از نوع تضاد منافع بین سهام‌داران و دارندگان اوراق قرضه باشد. بر این اساس امکان دارد که در قرارداد اعمال شده مقررات محاسبه‌ی ارقام حسابداری به‌نحوی که تأمین کننده‌ی منافع دو طرف قرارداد باشد قید شود. فرض اساسی تئوری هزینه قرارداد، این است که روش‌های حسابداری به‌عنوان بخشی از فرآیند به حداکثر رساندن ثروت است؛ که میزان

تأثیر آن بر ثروت طرف قرارداد، بسته به هزینه‌های قرارداد (نظارت، تهیه اطلاعات و...) متفاوت است. بر این اساس با توجه به اهمیت اطلاعات حسابداری برای طرف قرارداد، شرکت‌ها برای تأمین اهدافشان سعی بر مدیریت سود دارند.

۴-۴-۴ تئوری هموارسازی سود

این تئوری که در سال ۱۹۶۴ توسط گردن بیان شد مبتنی بر چهار قضیه‌ی اساسی

زیر است:

۱-۴-۴-۴ شاخص مدیریت برای انتخاب از بین اصول حسابداری بالا بردن منافع خویش است.

۲-۴-۴-۴ با افزایش امنیت شغلی منافع مدیریت، نرخ رشد درآمد و نرخ رشد شرکت افزایش می‌یابد.

۳-۴-۴-۴ دست‌یابی به اهداف قید شده در بند دوم به رضایت سهام‌داران بستگی دارد. یعنی هر اندازه سهام‌داران خشنودتر باشند، امنیت شغلی مدیریت، حقوق و مزایای وی و... بیش‌تر خواهد شد.

۴-۴-۴-۴ متوسط نرخ رشد سود شرکت و ثبات در آن رضایت سهام‌داران را افزایش می‌دهد.

۵- پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به مطالب بیان شده در خصوص ابعاد هموارسازی سود و تئوری‌های مرتبط با آن و بسته به این‌که محقق از دید کدام سه گروه (حرفه، مدیریت یا استفاده‌کننده) به بررسی موضوع می‌پردازد می‌توان محورهای اصلی تحقیقات صورت گرفته تاکنون در این خصوص را بدین‌گونه بیان داشت.

مدیریت و هموارسازی سود: این تحقیقات به بررسی وجود یا عدم وجود

هموارسازی سود در شرکت‌ها، انگیزه‌های مدیریت از هموارسازی سود و روش‌های اعمال آن می‌پردازد.

هموارسازی سود و اعتباردهندگان: تأکید قالب این نوع از تحقیقات بر آثار

هموارسازی سود بر روی ارزش شرکت و زمان ورشکستگی آن از نقطه نظر اعتباردهندگان و متعاقب با آن میزان تأمین مالی خارجی آن و هزینه‌ی استقرار صورت گرفته است در این نوع تحقیقات همچنین پی‌آمدهای ناشی از تسهیلات اعطایی اعتباردهندگان در شرایط وجود

هموارسازی سود شرکت‌ها و علل ناتوانی در ایفای مفاد قرارداد تأمین مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هموارسازی سود و ماهیت صنعت و حرفه: در این نوع از تحقیقات میزان

هموارسازی سود و تفاوت در روند آن در شرکت‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های شخصیتی شرکت‌ها همانند اندازه‌ی شرکت‌ها، نسبت‌های سودآوری، نوع صنعت، نوع مالکیت و مقررات دولتی در خصوص قیمت‌گذاری خدمات و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هموارسازی سود و بازار سرمایه: بازار سرمایه به عنوان بازاری متشکل از

اوراق بهادار سهام و اوراق قرضه و مشتقات آن‌ها حاصل تلاقی انتظارات سه گروه عمده‌ی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و مدیریت است. در تحقیقات هموارسازی سود در بازار سرمایه نقطه نظرات و دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران به عنوان عنصر اصلی بازار سرمایه در خصوص هموارسازی سود بر اساس مدل‌های مختلف بررسی شده سپس بازخورد نهایی هموارسازی سود بر بازار سرمایه از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هیلی^۱ (۱۹۸۵) در تحقیقی تحت عنوان «اثر طرح‌های پاداش بر تصمیمات حسابداری» به بررسی علت تمایل مدیران برای هموارسازی سود، دسترسی به اطلاعات درون سازمانی جهت دستیابی به طرح‌های پاداش پرداخته است. بر این اساس در طرح‌های پاداش دارای حداقل و حداکثر سود مشمول پاداش (cap , bogey) در شرایطی که سود بین cap و Bogey باشد مدیریت با استفاده از تکنیک‌های حسابداری تعهدی با افزایش در امنیت شغلی، سعی می‌کند سود را به سقف پاداش برساند و در شرایطی که سود بالاتر از سقف پاداش باشد، سعی در کاهش آن را دارد. همچنین زمانی که امکان رساندن سود، به حد پایین طرح پاداش نباشد سعی مدیریت بر آن است که با کاهش سود تا حد ممکن سود را برای دوره‌های آتی ذخیره کند.

زیمرمن و مورفی^۲ (۱۹۹۳) با بررسی تغییرات متغیرهای مخارج تحقیق و توسعه (R&D) با تبلیغات و مخارج سرمایه‌ای در اواخر سال‌های خدمت مدیران، تغییرات غیرمعمول این متغیرها را به دلیل پوشانده نگه داشتن عملکرد ضعیف مدیریت می‌دانند که این خود بیان‌گر هموارسازی ظاهری می‌باشد.

1-Healy

2-Murphy & Zimmerman

مدیریت سود به عنوان عامل ایجاد امنیت و آرامش، نقش بسیار مهمی را در جلوگیری از برکناری مدیران داشته است. نتایج تحقیق صورت گرفته توسط ژو، لوبو و احمد^۱ (۲۰۰۰) در بررسی نقش هموارسازی سود در امنیت شغلی و عوامل مؤثر بر آن نشان می‌دهد که هموارسازی سود در شرکت‌هایی با رقابت بالا و محصولات بادوام فعالیت می‌کنند، به دلیل وابستگی به شرایط بازار و امنیت شغلی کم، در سطوح بالاتری صورت می‌گیرد.

مدیریت سود از دیدگاه قراردادهای ضمنی توسط براون، شورنز و دچارم^۲ (۱۹۹۵) از طریق انتخاب از بین روش‌های مختلف حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که قراردادهای ضمنی مدیریت همانند شهرت و اعتبار وی نزد سهام‌داران با افزایش سطح سوددهی شرکت‌ها تقویت می‌شود. بر این اساس در شرکت‌های مورد بررسی که بهای تمام شده کالای فروش رفته و اسناد پرداختی بالایی دارند با انتخاب روش فایفو در تعیین ارزش موجودی‌ها و روش استهلاک خط مستقیم در خصوص بهای تمام شده دارایی ثابت سعی در بیش‌تر نشان دادن سود می‌کنند.

ترومن و تیتمن^۳ (۱۹۸۸) در مدلی به بررسی کاهش نوسانات سود حسابداری نسبت به سود اقتصادی پرداخت. شواهد حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که هموارسازی سود می‌تواند از طریق تاثیر بر روی زمان ورشکستگی شرکت ارزش بازار سهام را افزایش داده و متعاقب با آن عواملی که موجب افزایش هزینه‌ی استقراض شرکت شد را کاهش دهد.

سوینی^۴ (۱۹۹۴) در تحقیقی که تحت عنوان «تخلف از قراردادهای تأمین مالی و عکس‌العمل‌های حسابداری مدیران» در بررسی مدیریت سود از دیدگاه قراردادی به بررسی میزان استفاده از استانداردهای جدید افزایش دهنده‌ی سود در سال‌های قبل از تخلف از قراردادهای بدهی می‌پردازد. بر این اساس غالب تخلف‌های صورت گرفته در واکنش به نگاه‌داشت سرمایه در گردش و حقوق صاحبان سهام بوده است. چرا که در غالب شرکت‌های مورد بررسی نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و تعداد دفعات پوشش هزینه بهره دست‌کاری شده بود. علاوه بر این در یک دوره‌ی ۸ ساله از ابتدای ۵ سال قبل از ناتوانی در

1-Ahmed & Lobo & Zhou

2-Ducharme & Shores & Brown

3-Trueman & Titman

4-Sweeny

باز پرداخت بدهی، حدوداً نیمی از این شرکت‌ها نسبت به گروه کنترل موارد بسیاری از تغییرات سیاست‌های حسابداری که به‌طور با اهمیتی سود را افزایش می‌داد استفاده کرده بودند. در بررسی‌های بیش‌تر که چرا تنها نیمی از شرکت‌ها از تغییر روش حسابداری برای افزایش سود استفاد می‌کنند وی بدین نتیجه رسید که این امر بسته به انعطاف‌پذیری حسابداری شرکت‌ها و هزینه‌های پایین ناتوانی در بازپرداخت می‌باشد. بر این اساس شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری حسابداری چندانی ندارند (فرضاً از روش *fifo* در ارزش‌گذاری موجودی‌ها و از روش خط مستقیم در استهلاک بهای تمام شده دارایی‌های ثابت خود استفاده می‌کنند) و شرکت‌هایی که در خصوص ناتوانی در باز پرداخت هزینه‌ای را در صورت‌های مالی خود گزارش نمی‌کنند در انتخاب روش‌های حسابداری افزایش دهنده سود آزادی عمل کم‌تری دارند. و به همین دلیل از استانداردهای حسابداری جدید افزایش دهنده سود بیش‌تر استفاده کرده‌اند.

آبشدی (۲۰۰۴) برای بررسی این که آیا مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه که اساساً مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و تحلیل‌گران مالی هستند، هموارسازی سود را دارای بار اطلاعاتی می‌دانند و این که آیا آن‌ها بین انواع مختلف هموارسازی سود بسته به روش اعمال آن تفاوتی قائل هستند انجام دادند. بر این اساس تعداد تحلیل‌گران مالی یک شرکت با هموارسازی طبیعی سود وابسته است ولی در مورد هموارسازی مدیریت شده (هموارسازی واقعی) این وابستگی معکوس است. در این رابطه‌ی مؤسسه‌های سرمایه‌گذار نسبت به هموارسازی طبیعی و مدیریت شده (از نوع تصنعی) بی‌تفاوت بوده ولی سودهای هموارسازی شده از طریق تکنیک‌های مدیریت سود واقعی را اغراق‌آمیز می‌دانند. سرمایه‌گذاران خبره نیز مدیریت سود واقعی را نه برای افزایش بار اطلاعاتی بلکه صرفاً برای فرصت‌طلبی‌های مدیریت می‌دانند. هم‌چنین شواهد این تحقیق گویای این است که شرکت‌های با تحلیل‌گران مالی و مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری عمده کم‌تر اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. که خود بیان‌گر اهمیت مفاهیم بازار سرمایه در تصمیم‌گیری‌های گزارش‌گری سود توسط مدیریت می‌باشد.

بوشان و اوبران (۱۹۹۰) در تحقیقی به بررسی تصمیمات مشترک تحلیل‌گران مالی و مؤسسه‌های سرمایه‌گذار ی پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تحلیل‌های مالی بدون

در نظر گرفتن تصمیمات گروه‌های دیگر منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست می‌شود. بر این اساس لازم است که تصمیمات گروه‌های مؤثر در نتایج یک امر نیز در تصمیم‌گیری لحاظ شود. همچنین تحلیل‌گران مالی بیش‌تر به دنبال شرکت‌هایی هستند که اولاً نوسانات کم‌تری در سود گزارش شده داشته باشند و از طرف دیگر در صنایع‌ای فعالیت کنند که تعداد شرکت‌های آن زیاد و دارای سیاست‌های معین افشا در گزارش‌های مالی خود باشند.

زاروین^۱ (۲۰۰۰) در تحقیقی تحت عنوان «آیا هموارسازی سود به قیمت سهام بار اطلاعاتی می‌دهد»^۱ به هم‌بستگی بین سود و جریان نقدی در شرکت‌هایی که به هموارسازی سود اقدام کرده‌اند، پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد شرکت‌هایی که هموارسازی بیش‌تری داشته‌اند دارای هم‌بستگی بیش‌تری بین سود و جریان نقدی بوده‌اند. که بیان‌گر رابطه‌ی هموارسازی با بار اطلاعاتی سهام می‌باشد.

مایکلسون و واگنر^۲ (2004) در تحقیقی به بررسی واکنش بازار سرمایه در برابر هموارسازی سود با در نظر گرفتن نوع صنعت و اندازه‌ی شرکت انجام دادند. و نتایج زیر را به‌دست آوردند:

۱- شرکت‌هایی که به هموارسازی سود اقدام کرده‌اند نسبت به شرکت‌های مشابه بازدهی بیش‌تری دارند.

۲- بازدهی غیرعادی شرکت‌های کوچک از بازدهی غیرعادی شرکت‌های بزرگ بیش‌تر است.

۳- بین نوع صنعت و هموارسازی سود رابطه‌ی با اهمیتی وجود دارد.

آفایی، تقفی (۱۳۷۳) به بررسی رفتار سود حسابداری شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل‌های مختلف انجام دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با توجه به میزان ضریب هم‌بستگی بین سود حسابداری و فاصله‌های مساوی تغییرات سود به صورت خطی صورت نمی‌گیرد و رفتار سود گروه‌های مختلف شرکت‌ها با مدل‌ها و روندهای متفاوتی توصیف می‌شود. به‌گونه‌ای که حتی برخی از شرکت‌های موجود در صنایع مشابه تفاوت قابل توجه‌ای در فرآیند سود دارند. که بسته به شرایط موجود بعضاً می‌تواند به دلیل عوامل درون شرکت (مثلاً نوع تکنولوژی، عدم به‌کارگیری ظرفیت کامل تولید و اختلافات هزینه) باشد که

در این صورت مدیریت می‌تواند با رفع این موارد موجبات ثبات در سود شرکت و به تبع آن رشد قیمت سهام شرکت را فراهم سازد.

بدری (۱۳۷۵) در تحقیقی تحت عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود» به بررسی وجود هموارسازی سود در شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران و عوامل مؤثر بر آن همانند اندازه‌ی شرکت، نسبت سودآوری، نوع صنعت، نوع مالکیت و وجود مقررات مختلف قیمت‌گذاری محصول طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۵ انجام داد.

یافته‌های این تحقیق نشان‌گر این است که شرکت‌های مورد بررسی بعضاً اقدام به هموارسازی سود کرده‌اند. (حدوداً ۳۰٪) هم‌چنین نسبت سودآوری عامل مؤثری بر هموارسازی سود است.

بر این اساس شرکت‌های با سودآوری پایین گرایش بیش‌تری به هموارسازی سود دارند. و بالعکس.

هموارسازی سود بسته به نوع صنعت نیز متفاوت است به گونه‌ای که شرکت‌های موجود در صنایع ماشین‌آلات، وسایل نقلیه‌ی موتوری و حمل و نقل، و تجهیزات برقی بیش‌ترین هموارسازی سود را داشته‌اند.

عامل قیمت‌گذاری محصولات نیز عامل مؤثر هموارسازی سود است به گونه‌ای که شرکت‌هایی که مشمول قیمت‌گذاری دولتی نمی‌شوند بیش‌تر به هموارسازی سود تمایل دارند.

معتصمی (۱۳۷۶) تحقیقی تحت عنوان «اثر هموارسازی سود بر بازار سهام» به بررسی هموارسازی سود در بازار سرمایه‌ی اوراق بهادار تهران و اثرات آن بر بازدهی متوسط سالیانه و ریسک سرمایه‌گذاری طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۳ انجام داد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین بقای شرکت‌های با سود هموارسازی شده نسبت به شرکت‌های با سود هموارسازی نشده تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

خلاصه تحقیقات بررسی شده

موضوع تحقیق	محقق	متغیرهای تحقیق	نتایج
ان‌رط‌ح‌های باداش بر تصمیمات حسابداری	Healy (1985)	متغیرهای تهیدی اختیاری ، یادانس مدیریت	استفاده مدیریت از متغیرهای تهیدی اختیاری به عنوان ابزار حداکثر کردن سود که بسته به

توجع طرح یادداشت مدیریت نحوه اعمال آن متفاوت است			
متغیرهای اختیاری غیر شده برای حداکثر کردن یادداشت و امنیت نسبی در زمان یادداشت دوره‌ی تصدی مدیریت به وفور استفاده شده است	تغییرات مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و مخارج سرمایهای	ZimmermanMurphy (1993)	عملکرد مالی مدیران اجرایی رده بالا در زمان پایان دوره تصدی‌گری
به دلیل در نظر گرفتن سود به‌عنوان معیار ارزیابی عملکرد مدیران، مدیریت هموارسازی سود را صرفاً برای منفعت شخصی انجام می‌دهد. بر این اساس لازم است در میبای ارزیابی عملکرد تعدیلات ایجاد شود.	هموارسازی سود، منافع شخصی مدیریت، منافع شرکت	حاجیوند (۱۳۷۵)	انگیزه‌ی مدیریت از هموارسازی سود
هموارسازی سود با میزان رقابت، سرمایه‌بری و دوام محصولات تولیدی در هر صنعت رابطه‌ی مستقیم و یا امنیت نسبی رابطه‌ی غیرمستقیم دارد.	میزان رقابت، دوام محصولات تولیدی، میزان سرمایه‌بری صنعت	Ahmed Lobo Zhou (2000)	هموارسازی سود و امنیت نسبی
هموارسازی سود با توجه به شرایط فعلی شرکت و عملکرد مورد انتظار آن صورت می‌گیرد به‌گونه‌ی که در بلندمدت امنیت نسبی مدیریت بانک را تأمین کند.	عملکرد فعلی بانک، ذخیره زبان قراردادهای وام (LLP)، عملکرد آتی بانک، ابزارهای اختیاری مدیریت سود	Mathieu, kanagaretnam ۲۰۰۰ (Lobo)	محرک‌های مدیریت در هموارسازی سود از طریق ذخیره‌ی زبان قراردادهای بانکی (LLP)
قراردادهای ضمنی مدیریت همانند اعتبار وی نزد سهام‌داران با افزایش سطح سوددهی شرکت‌ها تقویت می‌شود. بر این اساس شرکت‌ها سعی در انتخاب روش‌های حسابداری افزایش‌دهنده سود دارند.	قراردادهای ضمنی مدیریت، سطح سود، روش‌های حسابداری استفاده شده	Ducharme Shores Bown (1995)	بررسی انتقادی تئوری انبساطی حسابداری
هموارسازی سود به عنوان ابزار مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت، هزینه تأمین مالی شرکت را کاهش، سود را افزایش و متعاقب با آن قیمت بازار سهام را افزایش می‌دهد.	هموارسازی سود، نرخ بهره‌ی تأمین مالی، قیمت بازار سهام	Trueman, Titman (1988)	تفسیری در خصوص حسابداری هموارسازی سود

<p>میزان استفاده شرکت‌ها از استانداردهای افزایش دهنده سود در سال‌های قبل از ناتوانی در بازپرداخت با انعطاف‌پذیری حسابداری شرکت‌ها رابطه‌ی غیرمستقیم و با هزینه‌های ناتوانی در بازپرداخت رابطه‌ی مستقیم دارد.</p>	<p>تخلف از قراردادهای تأمین مالی، میزان استفاده از استانداردهای افزایش دهنده سود، میزان انعطاف‌پذیری حسابداری شرکت‌ها</p>	<p>Sweeny(1994)</p>	<p>تخلف از قراردادهای تأمین مالی و عکس‌العمل‌های حسابداری مدیران</p>
<p>شرکت‌های موجود در بورس اقدام به هموارسازی سود کرده‌اند که میزان آن بسته به نوع صنعت، میزان سودآوری شرکت‌ها و مقررات قیمت‌گذاری دولت متفاوت است.</p>	<p>میزان هموارسازی سود، اندازه‌ی شرکت نسبت سودآوری، نوع صنعت، نوع مالکیت، مقررات قیمت‌گذاری دولت</p>	<p>بدری (۱۳۷۸)</p>	<p>شناسایی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود</p>
<p>تغییرات سود حسابداری شرکت‌ها به صورت خطی نبوده بلکه با مدل‌های متفاوتی توصیف می‌شود. به گونه‌ای که حتی برخی از شرکت‌ها در صنایع مشابه تفاوت قابل توجهی در روند سود دارند.</p>	<p>سود حسابداری در دوره‌های زمانی مختلف، چگونگی تغییرات آن</p>	<p>آقای، تقی (۱۳۷۳)</p>	<p>رفتار سود حسابداری</p>
<p>تحلیل‌گران مالی هموارسازی طبیعی را به دلیل ارزش اقتصادی آن مطلوب می‌دانند. مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری به دلیل سبدهای مختلف سهام نسبت به هموارسازی طبیعی بی‌تفاوت بوده و هموارسازی واقعی را اغراق‌آمیزکننده سود می‌دانند. بر این اساس شرکت‌هایی مطرح در بازار کمتر اقدام به هموارسازی واقعی یا مصنوعی می‌کنند.</p>	<p>هموارسازی مصنوعی، هموارسازی واقعی، هموارسازی طبیعی، تعداد تحلیل‌گران مالی ذرکت، تعداد سرمایه‌گذاران سازمانی</p>	<p>Aiyesha dey(2004)</p>	<p>هموارسازی سود و نقش آن در ارجحیت‌های سرمایه‌گذاران خیره</p>
<p>تصمیم‌گیری‌هایی صحیح است که با در نظر گرفتن نظر سایر گروه‌ها باشد. سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی مطلوب است که اولاً نوسانات کمتری در سود گزارش شده‌شان داشته باشند و از طرف دیگر در صنایعی فعالیت کنند که تعداد شرکت‌های آن زیاد و دارای دیاسته‌های معین افتخار در</p>	<p>تصمیمات مشترک تحلیل‌گران مالی و مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و رفتار سود</p>	<p>Bushan Obraen(2004)</p>	<p>حقوق صاحبان سهام سرمایه‌گذاران سازمانی و تحلیل‌گران مالی مربوطه</p>

گزارش های مالی خود باشند.			
با افزایش هموارسازی سود همبستگی بین سود حسابداری و جریانهای نقد عملیاتی آینده افزایش می یابد.	هموارسازی سود، تغییرات اقلام تعهدی اختیاری، تغییرات جریانهای نقد عملیاتی	Zarowin(2000)	آیا هموارسازی سود به قیمت سهام باز اطلاعاتی می دهد
بین میزان هموارسازی سود یا بازدهی شرکت و اندازهی شرکت رابطه مستقیم و بین هموارسازی سود و بازدهی غیرعادی رابطه ای غیرمستقیم وجود دارد.	هموارسازی سود، بازدهی شرکت، اندازه شرکت، بازدهی غیرعادی، نوع صنعت	wagner,Michelson (2004)	هموارسازی سود و ریسک تعدیل شده عملیات
شرکت های موجود در بورس اقدام به هموارسازی سود کرده اند که در این خصوص بین ریسک بتای شرکت های با سود هموارسازی شده و بتای شرکت های با سود هموارسازی نشده تفاوت معناداری وجود ندارد	هموارسازی سود، بازدهی متوسط سالیانه، ریسک سرمایه گذاری	معتصمی (۱۳۷۶)	اثر هموارسازی سود بر بازار سهام

۶- نتیجه گیری

در این مقاله هموارسازی سود از چهار جنبه ی مدیریت، اعتباردهندگان و صنعت و حرفه و بازار سرمایه ی مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس هدف اصلی مدیریت از هموارسازی سود منافع شخصی که در قالب پاداش و امنیت شغلی و با توجه به شرایط آتی است، صورت می گیرد. در این رابطه متغیرهای تعهدی اختیاری به عنوان اصلی ترین ابزارهای هموارسازی سود به دلیل این که فاقد مفهوم اقتصادی و تأثیر بر جریانهای نقدی شرکت می باشد از بالاترین ریسک برخوردار است.

اعتبار دهندگان نیز در اعطای اعتبارات به هموارسازی سود به عنوان یکی از معیارهای تصمیم گیری توجه دارند حال این که هموارسازی سود می تواند ناشی از روش های تعهدی اختیاری اعمال شده توسط مدیریت باشد. به گونه ای که در بررسی شرکت های تخلف کننده از مفاد قراردادهای تأمین مالی مشخص شد که این گونه شرکت ها در سال های قبل از تأمین مالی بیشترین میزان استفاده از استانداردهای جدید افزایش دهنده ی سود را داشته اند. که

میزان آن بسته به آزادی عمل استانداردهای استفاده شده توسط شرکت و نحوه‌ی گزارش هزینه‌های ناشی از عدم ایفای مفاد قرارداد متفاوت است. در بررسی هموارسازی سود از دیدگاه تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران نیز مشخص شد که تحلیل‌گران مالی هموارسازی طبیعی را از معیارهای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و هموارسازی مدیریت شده افزایش دهنده‌ی ریسک سرمایه‌گذاری می‌دانند. مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری نیز به دلیل وجود سبدهای مختلف سرمایه‌گذاری نسبت به هموارسازی طبیعی بی‌تفاوت بوده لیکن از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با سود مدیریت شده به دلیل اغراق‌آمیز کردن سود گزارش شده اجتناب می‌کنند. از نقطه‌نظر ماهیت صنعت و حرفه، رفتار سود حسابداری بسته به نوع صنعت، مقررات قانون‌گذاری دولتی، اندازه‌ی شرکت و نسبت سودآوری متفاوت است. به‌گونه‌ای که شرکت‌های فعالیت‌کننده در صنایع تولیدی ماشین‌آلات، تجهیزات موتوری و حمل و نقل و تجهیزات برقی بیش‌ترین هموارسازی سود را داشته‌اند و شرکت‌هایی که مشمول مقررات قانون‌گذاری نمی‌شوند بیش‌ترین تمایل به هموارسازی سود دارند.

در بررسی هموارسازی سود از دیدگاه بازار بیان شد که اعمال روش‌های تعهدی در هموارسازی سود به میزان مناسب می‌تواند به قیمت سهام بار اطلاعاتی بدهد به‌گونه‌ای که بیان‌کننده جریانات وجه نقد و بازدهی سهام باشد. شرکت‌های با سودهای هموارسازی شده طبیعی متوسط بازدهی بالاتر و در عین حال ریسک پایین‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها داشته‌اند. همچنین اندازه این‌گونه از شرکت‌ها نیز از سایر شرکت‌ها بزرگ‌تر می‌باشد.

با توجه به نتایج بررسی انجام شده در خصوص هموارسازی سود لازم است که عناصر مختلف فعالیت‌کننده در بازار سرمایه به دلیل وابستگی منافع خود با منافع سایر اعضای بازار سرمایه همواره دیدگاه‌های گروه‌های دیگر را مد نظر داشته باشند بر این اساس مدیران ارشد شرکت‌ها می‌باید بدانند که آنچه که باعث رسیدن به ارزش پایدار می‌شود برنامه‌های عملیاتی آن‌ها و توجه به ماهیت صنعت و موقعیت شرکت است (هموارسازی طبیعی سود) است نه سوء استفاده از آزادی‌های اعمال شده در استانداردهای حسابداری. اعتبار دهندگان نیز می‌باید صرفاً به میزان نوسانات اکتفا نکنند بلکه با بررسی هموارسازی سود در طبقات مختلف (سود عملیاتی، سود ناخالص، و سود خالص) و تناسب درآمدها با هزینه‌های شرکت‌ها در دوره‌های مختلف (هموارسازی طبیعی سود) تصمیم‌های صحیح را اتخاذ کنند سهام‌داران نیز می‌باید با ایجاد تنوع در معیارهای پاداش مدیران (ارزیابی متوازن

همانند رضایت شغلی کارمندان، افزایش در سهم بازار شرکت) مانع از سوء استفاده‌های مدیریت شوند.

منابع

- ۱- احمدپور، احمد و بحیی‌زاده‌فر، محمود، *مدیریت مالی*، ج۱، انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳.
- ۲- بدری، احمد، شناسایی، *عوامل موثر بر هموارسازی سود*، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۳- بلکویی، احمدریاحی، *تئوری‌های حسابداری*، ترجمه‌ی علی پارسایان، انتشارات سمارنگ، ۱۳۸۱.
- ۴- تقی، علی و آقایی، محمدعلی، *رفتار سود حسابداری*، بررسی‌های حسابداری ف دانشگاه تهران، ش نهم، ۱۳۷۳.
- ۵- حاجیوند، تقی، *انگیزه مدیریت از هموارسازی سود*، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۶- شباهنگ، رضا، *تئوری حسابداری*، ج۱، انتشارات سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱.
- ۷- _____، *تئوری حسابداری*، انتشارات فروردین، ۱۳۵۱.
- ۸- لویی سی، گاپنسکی و فیلیپ آر، دیوز، *مدیریت مالی (میان)*، ترجمه‌ی علی پارسائیان انتشارات ترمه، ۱۳۸۲.
- ۹- معتمسی، محمود (۱۳۷۶)، "اثر هموار سازی سود بر بازار سهام"، دانشگاه تهران.
- ۱۰- نمازی، محمد، *پژوهش‌های تجربی در حسابداری*، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶.
- 11-Aiysha•Dey, *Income Smoothing and sophisticated investor preference*,(available at www. SSRN.com), 2004.
- 12- Anwer S .Ahmed, Gerald Lobo, Jian Zhou, *Job security and income smoothing : an empirical test of the Fudenberg and Tirole (1995) model*,(available at www .SSRN.com), 2000.
- 13-Bowen,Ducharme,Shores, *Criticizing positive accounting theory*,Contemprory accounting reasrch, 1995.
- 14-Gordon-m.g, *Post ulates principles and research in accounting* Accounting review, P(251-63), 1964.
- 15-Healy, *The effect of bous chemes on accounting decision*, general of accounting and economic, 1985.
- 16-Kiridaran Kanagaretnam,Gerald J.Lobo,Dong-Hoong Yang, *Managerial incentives for income smoothing through bank loan loss provisions*, (available at www. SSRN.com), 2001.
- 17- O, Brien, P. C. , and R. Bhushan, *Analyst Following and Institutional Owner Ship*, Journal of Accounting Research28:55-76, 1990.

- 18- STUART E. Michelson ,JAMES JORDAN-WAGNER, CHARLES W. WOOTTON, *Income smoothing and Risk adjusted performance*, (available at www.SSRN.com), 1999.
- 19-Sweeny, *Debt-covenant violations and managers accounting response*, general of accounting and economic, 1994.
- 20-Trueman , Titman, *An explation for accounting income smooting*, journal of accounting research. volume 26(p 127-139), 1988.
- 21-William r. Scott , *Financial accounting theory", third edition*, Education Canada .Inc.Toronto,Ontario, 1931.
- 22-Zarowin, *does income smoothing make stock price more informative*, (available at www.SSRN.com), 2002.
- 23- Zimmerman , Murppy, *Financial performance surrounding CEO Turnover*, Journal of accounting and economics pp. 273-316, 2002.

